

گاهنامه سیاسی بصائر بسیج

ویژه فرماندهان
حوزه‌های مقاومت بسیج



موضوع:

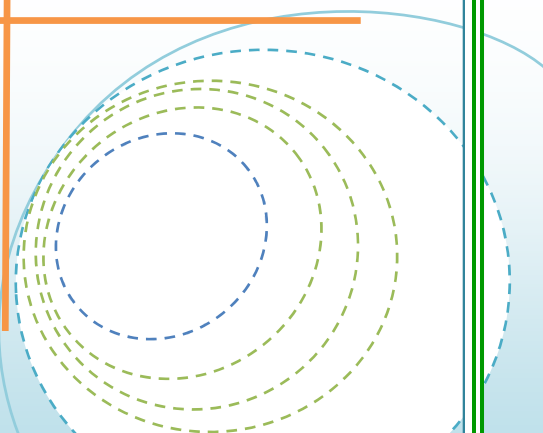
رفتارشناسی شهید مطهری در
فرایند انقلاب اسلامی



معاونت سیاسی

نماینده ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

اردیبهشت ماه ۱۳۹۵



رفتارشناسی شهید مطهری در فرایند انقلاب اسلامی

چکیده:

انقلاب اسلامی معجزه کم نظیر قرن بیستم بود و به نوبه خود دستاورد انقلاب پیامبر گرامی اسلام و مرهون تلاش‌های علمای بیدار شیعه بویژه امام خمینی^(ره) و علمای انقلابی مانند شهیدان مطهری و بهشتی است. این انقلاب بر اساس ارزش‌ها و آرمان‌های الهی و اسلامی شکل گرفت و مطالبه مردم نیز برپایی نظام اسلامی و احیای شعائر دینی و استقلال کشور بود، شهید مطهری از جمله شخصیت‌های محوری و موثر در انقلاب بود، ایشان در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام و استمرار و بقای آن نقش و تأثیری بی‌بدیل داشتند. و نوشتار حاضر تحلیلی هر چند مختصر پیرامون نقش شهید مطهری در فرآیند انقلاب اسلامی را ارائه می‌دهد و رمز و راز پایایی و ماندگاری انقلاب را بیان می‌کند.

واژگان کلیدی:

شهید مطهری، ماندگاری انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی

مقدمه:

براساس دیدگاه‌ها و آثار ارزشمند شهید آیت‌الله مرتضی مطهری عوامل اصلی شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی عبارتند از اسلام، ولایت فقیه، حمایت مردمی. بنابراین عوامل موجد انقلاب عوامل مبقیه آن نیز خواهند بود. انقلاب به تعبیر شهید مطهری در لغت به معنای زیرو رو شدن و دگرگون شدن و در اصطلاح عبارت از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب است. (پیرامون انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۸۲) رهبر انقلاب و مردم تمام همت خویش را برای بر هم زدن نظام طاغوت و نفی و طرد آن و پایه‌ریزی یک نظام سیاسی مطلوب بکار بستند و در این راه مشقت‌های زیادی را متحمل گردیده و حوزه و دانشگاه و مطبوعات و مناظرات را به تحرک و تکاپویی امیدبخش واداشت، شهید مطهری جهاد فرهنگی و سیاسی تمام عیاری را پایه‌ریزی کرد، منظومه فکری اندیشه انقلاب اسلامی را تکمیل نمود، انقلابی در ادبیات نهضت پدید آورد، فرهنگ را کد و بی‌روح وارداتی دانشگاه‌ها و مجامع روشنفکری را متحول ساخت. شهید مطهری با استفاده از مبانی فلسفی و فکری اسلام و دیدگاه‌های اساتیدش امام

خمینی^(۵) و علامه طباطبایی^(۶) و از طریق مطرح کردن درست اندیشه‌ها و معارف اسلامی به تحکیم مبانی اعتقادی و فکری مردم پرداخت و زمینه را برای طرح نظریه حکومت اسلامی از سوی امام خمینی^(۷) فراهم ساخت. (شفیعی‌فر، محمد، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۷) همین انقلاب فکری شهید مطهری بود که مارکسیست‌ها را به بن‌بست کشانید و روحی تازه در کالبد نخبگان دمید. او درد دین داشت و انگیزه انقلابی در او تجلی کرده بود.

به تعبیر مقام معظم رهبری مسئله شهید مطهری مسئله یک جریان فکری است در جامعه ما که هر چه می‌گذرد، برجستگی بیشتری پیدا می‌کند. (جاوید موسوی، سید حمید، ۱۳۷۱، ص ۳۲) شهید مطهری در سال ۱۳۴۰ به همراه شهید بهشتی، شهید باهنر، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای و... جمعی را تشکیل داد که مأموریت اصلی آن تدوین جهان‌بینی اسلامی بود. (همان، ص ۲۸)، و همین مباحث، پایه‌های تئوریک انقلاب اسلامی را استوار و فضای روشنفکری و محافل علمی کشور را مجذوب خویش ساخت، از این رو عمر پربرتک استاد در طول تکوین نهضت سپری گردید و وجود خویش را وقف انقلاب کردند. بدین لحاظ شهید مطهری را احیاگر اسلام و اصلاح‌گر اجتماع می‌شناسند. انقلاب اسلامی در بیان شهید مطهری ضمن آنکه تمام خصوصیات مثبت انقلاب‌های مهم دنیا مانند عدالت‌طلبی، ظلم‌ستیزی، محرومیت‌زدایی، معنویت‌خواهی، حریت و آزادیخواهی، را در خود داشت علاوه بر آنها دارای عنصر خاص اسلام بود که به آن رنگ و بو و معنای خاصی می‌دهد. و تأکید می‌کند که انقلاب ما عدالت و استقلال و آزادی را در سایه اسلام می‌خواست. (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۴۰)

شهید مطهری در تبیین اهداف کلی و کلان نهضت به جملاتی از امام علی^(ع) اشاره می‌کند که بعدها امام حسین^(ع) نیز در تبیین هدف و فلسفه نهضت خویش آنها را بیان کردند.

۱- بازگشت به اسلام واقعی: «لنرید المعالم من دینک»، بازگرداندن نشانه‌های محو شده خدا که همان اصول واقعی اسلام، از بین بردن بدعت‌ها، و جایگزین کردن سنت‌های اصیل و اصلاح فکرها و ایجاد تحول در روح‌ها را شامل می‌شود.

۲- ایجاد اصلاحات اساسی و آشکار در وضع زندگی مردم و اصلاح روابط و ساختارهای اجتماعی در میان مردم و نظام سیاسی «نظهرالاصلاح فی بلادک».

۳- توسعه و پیشرفت اقتصادی و تأمین امنیت اقتصادی: استاد در تبیین جمله "نظهرالاصلاح فی بلادک" می‌گوید: سامان به زندگی مظلومان دادن، شکم‌ها را سیراب کردن، تن‌ها را پوشاندن، بیماری‌ها را معالجه کردن، جهل‌ها را از میان بردن، اقدام برای بهبود زندگی مادی مردم، زندگی مادی مردم را سامان دادن منظور است.

۴- رهانیدن بندگان مظلوم خدا از شر ظالمان: قطع کردن دست ستمکاران از سر ستم‌دیدگان «یأمن المظلومون فی بلادک»

۵- احیای مقررات و اصول تعطیل شده خدا و قوانین نقض شده اسلام که همان تحول ثمربخش در نظامات مدنی و اجتماعی جامعه است. «تقام المعطله من حدودک» (مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۷۲)

استاد شهید مطهری در مرحله پایه‌ریزی نهضت چند اقدام اساسی به انجام رساندند:

۱- تحول اساسی در تفسیر و تحصیل هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در معارف اسلام و مبانی انقلاب اسلامی. در این خصوص جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلام را باز تولید نمودند و به مفهوم سازی پرداختند آنرا با زبان روز و متناسب با اقتضائات جامعه و نیازهای نسل حاضر دسته‌بندی و ارائه کردند.

۲- تبیین صحیح سیره نظری و عملی پیشوایان معصوم^(ع): تحصیل سیره نبوی^(ص)، جاذبه و دافعه علی^(ع)، شرح نهج‌البلاغه و موضوعاتی از این قبیل را با ادبیاتی شیوا و جذاب عرضه داشتند.

- ۳- تحلیل تاریخ اسلام و نقاط عطف آن: از جمله خدمات متقابل اسلام و ایران و حماسه حسینی^(ع).
- ۴- حضور در دانشگاه: دغدغه تحول ریشه‌ای و همه‌جانبه در دانشگاه‌ها و گسترش معارف دینی و فرهنگ انقلابی در میان اساتید و دانشگاهیان و پژوهشگران.
- ۵- ایجاد ارتباط مؤثر و جذاب با نسل جوان
- ۶- نقد منطقی و صحیح تئوریه‌ها و ایدئولوژیهای بشری در جهان شرق و غرب معارض.
- شهید مطهری می‌گوید: این نهضت، نهضتی است از تیپ نهضت پیامبران، یعنی بر خواسته از خودآگاهی الهی یا خداآگاهی. این خودآگاهی ریشه‌اش در اعماق فطرت بشر است، از ضمیر باطن سرچشمه می‌گیرد. (مجموعه آثار، ۱۳۷۸، ص ۶۸)

شهید مطهری و جهاد سیاسی و فرهنگی

استاد شهید مطهری همزمان در چندین جبهه تحرک داشتند، حضور در عرصه تبیین و نقد اندیشه، مبارزه و مقابله با جریان‌های سیاسی دگر اندیش و وابسته، کادرسازی برای انقلاب و در نهایت جریان‌سازی از او شخصیتی بی‌بدیل و جامع و احیاگر ساخته بود. آیت‌الله مطهری در شکل‌گیری انگیزه مبارزات انقلابی سهمی وافر داشتند، در آغازین مراحل انقلاب در کانون مبارزات بودند و همواره به کار تشکیلاتی و طراحی مبارزات هدفمند و سازماندهی و ایجاد مشارکت جمعی در نهادهای ساختن مبارزات نقش راهبردی و کار بردی ایفا نمودند، در ترویج جامعه‌پذیری اسلامی و کارآمد ساختن مبارزان و روشمندکردن مبارزات بی‌نظیر بودند و می‌توان گفت تحول و انقلابی در این عرصه‌ها پدید آوردند. بخشی از فعالیت‌های استاد شهید در این راستا عبارتند از:

۱- ارتباط و همراهی با جمعیت فدائیان اسلام:

در اوایل دهه ۱۳۳۰ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران با مبارزات روحانیت بویژه آیت‌الله کاشانی وارد مرحله نوینی گشت در این میان گروه فدائیان اسلام به رهبری نواب صفوی با اتخاذ مبارزه مسلحانه نقش ویژه‌ای در عملیاتی کردن و شتاب بخشیدن به رفتارهای انقلابی علیه رژیم طاغوت داشتند. شهید مطهری چندین بار با آیت‌الله کاشانی ملاقات کرد و ارتباط خود را با فدائیان اسلام گسترش دادند و از رهبران انقلابی و شیوه‌ها و نتایج مبارزه الهامات و عبرت‌های فراوان گرفتند و به‌گونه‌ای که بعدها در آسیب شناسی انقلاب و تبیین و تحلیل نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر به عنوان ریشه‌های انقلاب اسلامی از آنها بهره گرفتند.

۲- شکل‌دهی جریان نرم‌افزاری انقلاب:

شهید مطهری با مهاجرت به تهران در سال ۱۳۳۱ یک جریان فکری انقلابی براه انداخت و افکار و اندیشه او مبنای نرم‌افزاری و خاستگاه مهندسی مبارزات انقلابی قرار گرفت، این افکار همچون سیلی خروشان، جریانهای فکری وارداتی را به حاشیه راند و خود میدان مبارزه را بدست گرفت.

۳- انجمن ماهانه دینی:

جلسات بحث و هماهنگی استاد با انجمن اسلامی پزشکان که در سالهای ۱۳۳۷ تشکیل شده بود علاوه بر مباحث کلامی و فقهی و فلسفی و ایدئولوژیکی اسلام که بسیار تأثیرگذار و روشنگر و هدایتگر بود، به تدریج با همکاری جمعی از استادان و روحانیان، محفلی ماهانه را در تهران با شرکت چند نفر تشکیل داد که بعدها نام انجمن ماهانه دینی گرفت و دو سال و نیم فعالیت کرد. بدین ترتیب دهه اول مبارزات شهید مطهری از ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۱ توانست یک بنیان فکری و جنبش اجتماعی برپایه اسلام پدید آورد و تحول علمی و فرهنگی بزرگی را ساماندهی و هدایت نماید.

۴- مشارکت در قیام ۱۵ خرداد:

رحلت آیت الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ نقطه عطفی در مبارزات انقلابی بشمار می‌رود، پس از رحلت ایشان امام خمینی^(ره) عملاً رهبری مبارزات را بر عهده گرفتند و پس از اعتراض‌های ملایم و مقطعی به انتقادهای شدید از حکومت و سپس به قیام علیه رژیم طاغوت پرداخت. شهید مطهری در جریان این مبارزات در ۲۱ فروردین ۱۳۴۲ دستگیر و روانه خدمت سربازی اجباری گردید. روند مبارزات به گونه‌ای پیش رفت که امام خمینی^(ره) در شب ۱۵ خرداد ۴۲ سخنرانی شدیدی علیه رژیم کردند و فردای آن روز دستگیر و به ترکیه و سپس به عراق تبعید شدند. شهید مطهری نیز بواسطه نزدیکی به مردم در جریان واقعه ۱۵ خرداد در هدایت قیام مردم تهران و مرتبط کردن آن با رهبری حضرت امام^(ره) نقشی اساسی داشت. وی نیز در شب ۱۵ خرداد سخنرانی تندی علیه شخص شاه ایراد کرد که در همان شب دستگیر و تا ۴۳ روز در بازداشت ماند. در اولین سند مربوط به این دستگیری آمده است: «نامبرده بالا در تاریخ ۱۳۴۲/۳/۱۵ به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت دستگیر و در حال حاضر در زندان شهربانی کل کشور بازداشت می‌باشد.» (استاد شهید به روایت اسناد، ص ۲۳)

۵- ساماندهی هیأت‌های مؤتلفه اسلامی:

پس از واقعه ۱۵ خرداد اعضای هیأت‌های مذهبی از امام خمینی^(ره) خواستند تا نمایندگانی معرفی کنند که هدایت و مدیریت این هیأت‌ها را بر عهده بگیرد و شهید مطهری یکی از نمایندگان امام بودند که بدین منظور معرض شدند. استاد معتقد بودند هر نهضت اجتماعی و تشکیلات سیاسی مذهبی باید پشتوانه‌ای از نهضت فکری و فرهنگی داشته باشد. (نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، صدر، ص ۷۴)، بدین صورت جلسات توجیهی و کلاسهای آموزشی برگزار کرد و کتاب انسان و سرنوشت از همین مباحث تدوین گردید. در این بحثها استاد یکی از مسائل مهم یعنی بررسی علل انحطاط مسلمانان را بررسی می‌کردند. (سیری در نهج‌البلاغه، ص ۶۱)

۶- تأسیس هسته‌های اولیه جامعه روحانیت:

پس از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ مبارزات سیاسی و اجتماعی استاد شتاب بیشتری بخود گرفت و زمینه‌ها و فرصت‌های بیشتری برای مبارزه فراهم گردید. یکی از اقدام‌های مهم شهید مطهری پس از تبعید امام خمینی^(ره) به عراق مدیریت و ساماندهی پیوند بین امام و امت بود و در این زمینه مجاهدت‌های فروانی نمودند. یکی از اقدامات ایشان در این مقطع، تشکیل هسته‌های مرکزی جامعه روحانیت در قم و تهران بود. شهید مطهری از بنیانگذاران این هسته‌ها و نیز نماینده فکری امام خمینی^(ره) بشمار می‌رفتند، دفاتری از این تشکیلات نیز در شهرستانها بوجود آمدند، شهید مطهری بیش از دیگران در اندیشه شکل و سازماندهی روحانیت بود و نظریات خود را در این مورد طی مقاله‌ای در کتاب مرجعیت و روحانیت منتشر کردند.

استاد در سال ۱۳۵۵ به دنبال درگیری با یک استاد کمونیست دانشکده الهیات زودتر از موعد مقرر بازنشسته شدند. در این سالها استاد شهید با همکاری تنی چند از شخصیت‌های روحانی «جامعه روحانیت مبارز تهران» را بنیان‌گذاری کردند، و از این طریق نظم و انسجام و هماهنگی بیشتری در میان نیروهای انقلاب پدید آمد.

۷- تأسیس حسینیه ارشاد:

ایجاد یک مؤسسه علمی و فرهنگی برای تبیین دیدگاههای اسلامی به اتفاق افرادی چون ناصر میناچی، محمد همایون و سید علی شاهچراغی در سال ۴۶ از دیگر اقدامات اساسی و تشکیلات هدفمند شهید مطهری بود. وی اولین سخنرانی خود را در ۴۶/۲/۱۶ ایراد کردند و بعداً با دعوت از سخنران برجسته دیگر ابعاد روشنگری‌ها از تنوع و گستردگی بیشتری برخوردار گردید. اگر چه بعدها با سودجویی برخی افراد و نیز سخنان تند دکتر شریعتی در حمله مستقیم به سنت‌های جامعه که موجب تحریک افکار عمومی گردید و با نفوذ و ممانعت ساواک، فعالیت‌های حسینیه با چالش و حتی انحراف

مواجه گردید و وقتی تلاشهای شهید مطهری برای نجات حسینیۀ ارشاد از این انحراف نتیجه نداد نهایتاً در سال ۴۹ از آن جدا شدند. در مجموع شهید مطهری توانست یک موج اجتماعی و علمی فراگیر ایجاد نماید.

۸- سازماندهی مبارزه با صهیونیسم:

شهید مطهری به تبعیت از رهبر و مقتدای خود روشنگریها و مبارزاتی را علیه رژیم اشغالگر قدس و صهیونیست‌ها در پیش گرفت و تلاش نمودند تا این فعالیت با یک جریان اجتماعی و موج مذهبی، فراگیر شود. ایشان در اسفند ۴۸ سخنرانی تندی علیه رژیم صهیونیستی کردند که به دستگیری او منجر شد. (حماسه حسینی^(۴)، ج ۲، ص ۱۶۴) در سال ۴۹ اقدام به گشودن حسابی بانکی بنام خود، علامه طباطبایی و سید ابوالفضل زنجانی برای جمع‌آوری کمک‌ها به مردم فلسطین کرد و وقتی این موضوع را طی یک سخنرانی در همان سال اعلام نمود دستگیر شدند. این جریان‌سازی که به مبارزات انقلابی ابعاد جهانی می‌بخشید و جهانی بودن آموزه‌های اسلامی را برجسته می‌ساخت در مراحل مختلف مبارزه از سوی شهید مطهری ترویج و تعقیب گردید. (قربانی، قدرت‌الله، درآمدی بر اندیشه دینی سیاسی شهید مطهری، ۱۳۸۴، ص ۳۰)

۹- فعال کردن مساجد به عنوان پایگاه انقلاب:

فعالیت‌های مسجدالجواد^(۴) تهران و سپس مسجد جاوید و مسجد ارک و سایر مساجد یکی پس از دیگری توسط شهید مطهری شدت گرفت و مساجد به نحو فعال‌تری و به کانون مبارزات روشنفکرانه و انقلابی تبدیل گشتند، لکن در سال ۵۱ برنامه‌های مسجدالجواد توسط رژیم تعطیل و شهید مطهری دستگیر و بازداشت شدند و پس از مدتی مسجد جاوید نیز تعطیل شد و در حدود سال ۵۳ استاد مطهری ممنوع‌المنبر شدند و این ممنوعیت تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه یافت در مجموع هیچیک از این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها در اراده راسخ شهید مطهری تأثیری نداشت.

۱۰- اوج‌گیری نهضت در سال ۵۶:

شهادت سید مصطفی خمینی عامل تشدید مبارزات در سال ۵۶ بود، شهید مطهری و اصحاب انقلاب با تشکیل جلسات و برنامه‌های بزرگداشت، شعله‌های انقلاب را بیش از پیش برافروختند و ایشان در این حوادث به خوبی ارتباط متقابل مردم، علما و مراجع با امام خمینی^(۵) را مدیریت می‌کردند و علاوه بر آن در گسترش قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۵۶ نیز سهمی بسزا داشتند.

۱۱- تبیین ولایت و رهبری امام خمینی^(۵):

شهید مطهری در مراحل مختلف مبارزه، اصل امامت و ولایت و نیز رهبری امام خمینی^(۵) و حکومت اسلامی را با برهان قاطع و بیان رسا و اقناع‌کننده تبیین نمودند. ایشان ضمن یک سخنرانی در مهرماه ۱۳۵۷ در دانشگاه صنعتی شریف، اهداف روحانیت در نهضت اسلامی و همچنین ویژگی‌های مکتبی این نهضت را تشریح کردند و با تأکید بر رهبری بلامنازع امام خمینی^(۵) نشان داد وحدت رویه و التقاط و همسویی تفکر اسلامی با افکار وارداتی از غرب و شرق امکان‌پذیر نیست.

مقابله با گفتمان‌ها و جریان‌ها و نحله‌های انحرافی

استاد مطهری به همان میزان که در تفسیر و تبیین معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی اهتمام ورزیدند، به نقد جریان‌های فکری و اندیشه‌های وارداتی به‌ویژه ایده‌های انقلابی مارکسیسم که بخش عمده‌ای از جوانان و روشنفکران را گمراه ساخته بود، پرداختند. مهم‌ترین این جریان‌ها و اندیشه‌ها که هر یک طیف‌ها و جریان‌های گوناگونی را نمایندگی می‌کردند عبارت بودند از:

۱- مارکسیسم و ماتریالیسم: اندیشه‌های مارکسیستی از دیرباز عامل انشقاق در نخبگان و گمراهی بسیاری از نیروهای

فکری و جوانان انقلابی و مبارز کشورمان گردیده بود، حزب توده، چریکهای فدائی خلق اکثریت و اقلیت و... از جریانهای شاخص این تفکر بودند که به نمایندگی از بلوک استعماری شرق به ترویج ایده‌های مارکس و انگلس و لنین و سوسیالیسم می‌پرداختند. شهید مطهری علاوه بر اینکه شرح و تفسیر اصول فلسفه و روش رئالیسم را به بهترین وجه ممکن به انجام رسانید، بلکه با نقد مارکسیسم و بیان علل گرایش به مادیگری و نگارش کتابها و مقالات متعدد و ایراد سخنرانی‌ها و انجام مناظرات گوناگون به شفاف‌سازی و روشن‌گری پرداختند، شهید مطهری در شرایطی که شماری از روشنفکران و نیروهای انقلابی همچنان مارکسیسم را مشی مبارزه و قیام و انقلاب می‌دانستند یک موج ضدمارکسیستی و نهضت بیدارگری و افشاگری براه انداختند.

۲- جریان روشنفکری: شهید مطهری پرچمدار مقابله با جریان روشنفکری وابسته بود. روشنفکری اول در ایران ناقص‌الخلقه متولد شد و نه تنها در چارچوب مبانی دینی و الهی نبود بلکه در مقابل آن بود. روشنفکری از غرب وارد ایران شد و دارای انحرافات زیادی بود، و شهید مطهری از معدود مردان مبارزه با این نخله بودند. روشنفکران متجدد و سکولار تحت تأثیر لیبرالیسم غربی و بخصوص انقلاب فرانسه بوده و به پیروی و تقلید تمام و کمال از غرب باور داشتند (محمدی، منوچهر، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص ۷۶). تقلید بی‌چون‌وچرا و حتی در حد پرستش از غرب، سکولاریسم، مخالفت با دین و مبلغین مذهبی، ظاهرینی، اومانیزم، باستانگرایی، بی‌اعتنایی به مردم و... از ویژگیهای آنهاست.

۳- جریان نفاق: رویکرد نفاق با ظاهری موجه و آراسته لکن با تفکر و ماهیتی مارکسیستی، عوام‌فریبی کردند، آنان به نام مبارزه برای خلق به استفاده ابزاری از خلق پرداختند و منافع و مطامع شیطانی و هواهای نفسانی خویش را در مبارزات هدف قرار دادند و با روشنفکری شهید مطهری و نیروهای انقلاب رسوا شدند.

۴- ملی‌گرایی: ایده ملی‌گرایی و جریانها و گروهها و فعالان سیاسی ملی‌گرا همچون جبهه ملی و پیروان دکتر مصدق و نهضت آزادی بخشی از انرژی مبارزات را به خود معطوف ساختند، ملی‌گراها در گمراه سازی جوانان گوی سبقت را از منافقین ربودند، گرچه منافقین نیز مولود ملی‌گرایی بودند. شهید مطهری با تبیین آینده صحیح اسلام ناب محمدی (ص) و اندیشه انقلابی امام خمینی (ع) و آینده‌نگری و دور اندیشی‌اش برای انقلاب به نقد آن پرداختند و جوانان را در این عرصه نیز از منجلا بوابستگی و انحراف و فریب نجات بخشیدند.

۵- التقاط: جریان التقاط کوره راه دیگری بود که به انحراف برخی جوانان انجامید، التقاط با مارکسیسم، لیبرالیسم، ملی‌گرایی و اندیشه‌های بشری و نحله‌های نوپدید دام دیگری بود که استعمار در پیش پای عناصر سست ایمان و خشک مغز بی‌منطق پهن کرد، شهید مطهری که خطر آنها را برای انحراف جوانان رصد کرده بود و التقاط را مانع و آفتی بزرگ در مسیر انقلاب می‌دانست با تمام وجود به مبارزه و مقابله با آنها برخاست و مغلطه و سفسطه آنها را برملا کرد. گروهک فرقان و نیز منافقین خلق و برخی گروههای دیگر از این جمله بودند و در نهایت جان خویش را در این مبارزه به مسلخ بردند و توسط گروهک فرقان به شهادت رسیدند. نهضت آزادی در ایران که استمرار ملی‌گرایی قبل از کودتای ۲۸ مرداد بود یک جریان التقاطی اصلاح‌طلب بود. اینان قرآن و آموزه‌های اسلامی را تفسیر برآی کرده و بر افکار و گرایش‌های خود حمل می‌کردند و خواستار تلفیق و ترکیب اسلام با ایدئولوژیهای جدید بودند. سوسیالیسم اسلامی و طرح اسلام انقلابی نیز جریان التقاطی رادیکال به‌شمار می‌رفت. (شفیعی‌فر، محمد، ۱۳۷۸، ص ۱۹۶) مواجهه با همه این طیف‌ها تنها از یک اندیشه ناب و خالص و عمیق بر می‌آمد که از ایمان راسخ و باور تردیدناپذیر برخوردار باشد تا با خلوص خود ناخالصی‌ها را بر ملا سازد.

۶- لیبرالیسم: لیبرالیسم

لیبرالیسم سکولار به موازات مارکسیسم در محافل روشنفکر مطرح شده بود. از یکسو با آوزه‌های دینی در تعارض بود

و از سوی دیگر وابستگی به بلوک غرب بویژه اندیشه‌های اروپایی و نظام سیاسی امریکا را تعقیب می‌نمود. این ایده بیشتر از چالشهای پیش روی لثقلاب بود و شهید مطهری بیش از هر کس دیگر مرد این میدان بودند و با قلم و بیان و اقدامات معجزه‌آسای خویش ضلالت آنها را به همگان آشکار ساخت.

۷- جریان تحجره جمود و خرافه:

متحجرین و خرافه‌پرستان و اهل جمود همواره در طول تاریخ آفت مبارزات انقلابی بوده‌اند، لکن تنها مردان بزرگ علم و جهاد قادر به رویارویی با آنها هستند. شهید مطهری به پیروی از پیشوایان معصوم^(ع) خویش در این جهاد بزرگ موفقیت‌های قابل توجهی بدست آوردند. مبارزه با قشری‌گری انجمن حجیه، پیرایه‌زدایی و خرافه‌زدایی از مراسم عاشورا و عزاداری‌ها از این جمله بود. (حجت‌الاسلام سعیدی، فصلنامه مربیان، ش ۲۷، ص ۳۴)

مجاهدت برای حفظ نظام جمهوری اسلامی تا مرز شهادت

استاد شهید مطهری که فرایند شکل‌گیری، اوج‌گیری، پیروزی و نهادینه ساختن انقلاب اسلامی همواره نقش اساسی داشتند پس از پیروزی انقلاب از ارکان تأسیس جمهوری اسلامی بودند. ایشان در رابطه با جمهوری اسلامی از چند زاویه مؤثر واقع شدند:

۱- تبیین تئوریک و تفسیر جمهوری اسلامی: استاد مطهری در تبیین صحیح ماهیت و ترسیم اهداف و چشم‌انداز انقلاب اسلامی و تفسیر منطقی از جمهوری اسلامی پیش‌تاز و بی‌بدیل بودند. افکار و گفته‌های و نوشته‌های ایشان همواره مبنای شکل‌گیری ساختار نظام سیاسی جدید و تدوین قانون اساسی برآمده از انقلاب قرار گرفت. ایشان به تبعیت از امام خمینی^(ره)، مردم‌سالاری دینی را معادل مفهوم جمهوری اسلامی دانسته و آنرا نمونه و الگوی مطلوبی برای کشور ارزیابی کردند که جامع‌ترین مدل مردم‌سالاری و جمهوریت مبتنی بر اسلام خواهد بود. و مردم‌سالاری لیبرال را نفی می‌کرد. شهید مطهری در تفسیر این مفهوم، محتوای نظام را شریعت اسلام و شکل آن را جمهوری و مبتنی بر آراء و انتخابات آزادانه مردم دانستند و فرمودند: جمهوری اسلامی از دو کلمه مرکب شده است، کلمه جمهوری و کلمه اسلامی، کلمه جمهوری، شکل پیشنهاد شده را مشخص می‌کند و کلمه اسلامی محتوای آن را. (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۷۹، ۱۳۷۷) درباره ماهیت قوانین نیز فرمودند: اسلام برای نیازهای ثابت، قوانین ثابت و برای نیازهای متغیر، وضع متغیری در نظر گرفته است. (همان، ص ۹۱) در خصوص اسلامیت نیز تصریح می‌کند: (اسلامیت حکومت) یعنی پیشنهاد می‌کند که این حکومت با اصول و مقررات اسلامی اداره می‌شود و در مدار اصول اسلامی حرکت می‌کند چون می‌دانیم که اسلام به عنوان یک دین، در عین حال یک مکتب و یک ایدئولوژی، طرحی است برای زندگی بشر در همه ابعاد و شؤون آن. (همان، ص ۸۰). شاخصه‌های جمهوری اسلامی در این دیدگاه عبارتند از: باور به ولایت الهی در تکوین و تشریع، عدالت، معنویت، خدمتگزاری، جهاد و مبارزه، ایثار و فداکاری، امانت‌داری، قانونگرایی، ساده زیستی زمامداران. (جمهوریت و اسلامیت از دیدگاه شهید مطهری، جمعی از نویسندگان، ص ۸۴)

در بیان شهید مطهری مساله جمهوری، مربوط است به شکل حکومت که مستلزم نوعی دموکراسی است. یعنی این که مردم حق دارند سرنوشت خود را خودشان در دست بگیرند و این ملازم با این نیست که مردم خود را از گرایش به یک مکتب و یک ایدئولوژی و از التزام و تعهد به یک مکتب معاف بشمارند. (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۸۱) بنابراین اسلامی بودن این جمهوری، به هیچ وجه با حاکمیت ملی... منافات ندارد. (همان، ص ۸۳). دموکراسی اسلامی، بر اساس آزادی انسان است، اما این آزادی انسان در آزادی شهوات خلاصه نمی‌شود. (همان، ص ۱۰۲)

امام راحل در این زمینه معتقدند که «شکل حکومت ما، جمهوری اسلامی است، جمهوری به معنای اینکه متکی بر آزادی اکثریت است». (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۷). جمهوری اسلامی یعنی اینکه رژیم با احکام اسلامی و به خواست

مردم عمل می‌کند. (همان، ج ۷، ص ۲۰۱). ماهیت حکومت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده است، با اتکا به آراء عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام می‌باشد. (آئین انقلاب اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی).

۲- مجاهدت در اداره کشور: شهید مطهری در کمیته استقبال از امام خمینی^(ع)، همراهی با امام در فرانسه و لحظه ورود به ایران، نقش کلیدی داشتند، در تأسیس شورای انقلاب و استقرار دولت قانونی و بسترسازی تدوین قوانین و مقررات لازم برای اداره کشور مجاهدت شبانه‌روزی کردند. شهید محلاتی^(ع) می‌گوید: کمیته استقبال از امام را سه نفر اداره می‌کردند که شهید مطهری و شهید مفتاح بودند و من که متأسفانه هنوز مانده‌ام، شهید مطهری همچون قوه عاقله، تمام جریانات استقبال ورود امام و برنامه‌ها را مورد بررسی قرار می‌داد. (خردمند، محمد، شهید مطهری، مرزبان بیدار، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳).

علما و روحانیون به عنوان اعتراض به بختیار از هشتم بهمن در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند و شمار آنان تا دهم بهمن به دوهزار نفر رسید و شهید مطهری رکن اصلی در برپایی این تحصن بود و فرمودند تا وقتی امام نیایند باید تحصن ادامه یابد. (سرگذشت‌های ویژه در زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، شورای نویسندگان، ج ۲، ص ۹۸ و ۹۹) سرانجام در ۱۲ بهمن امام به تهران آمد و تا چند روزی اداره بیت امام بر عهده شهید مطهری بود، ایشان آنقدر مراقب بود تا مبادا عناصر ناسالم از این گروهکها، یا غیر گروهکها نفوذ کرده و اخلال نمایند. حالت بیدارباشی خصیصه ایشان بود. (همان، ص ۵۲)

پیش از پیروزی انقلاب از طرف امام، مسئولیت شورای انقلاب بر عهده استاد مطهری واگذار گردید و که استاد در این امر به نحو شایسته انجام وظیفه نمودند. تا امام به تهران بازگشتند. پس از بازگشت امام نیز همواره در دبیرستان علوی در کنار امام بودند و با ایشان همکاری می‌کردند. سرانجام در نیمه شب ۵۸/۲/۱۱ بوسیله اعضای گروه منحرف و ضد مذهبی فرقان به شهادت رسید. (باقی نصرآبادی، علی، سیری در اندیشه‌های اجتماعی شهید مطهری، ۱۳۸۸، چ سوم، ص ۴۵)

شهید مطهری؛ آینده‌پژوهی و آینده‌نگری:

بدیهی است شهید مطهری در قامت یک ایدئولوگ و تئوری‌پرداز همواره دغدغه آینده نهضت را داشتند، ایشان آینده پژوهی و آینده‌نگری در فرآیند انقلاب اسلامی را مورد توجه قرار دادند و پیرامون دو متغیر اساسی معطوف به آینده یعنی شناسایی و دفع آسیب‌ها و آفات از یکسو و حفاظت و پاسداری از دستاوردها و تضمین استمرار انقلاب از سوی دیگر به تفصیل به کنکاش پرداخته و سخن گفتند. ایشان مهمترین آفات و آسیب‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی را عبارت می‌دانند از:

۱- نفوذ اندیشه‌های بیگانه: اندیشه‌های بیگانه از طریق دوستان و دشمنان نفوذ می‌کنند، دشمنان تلاش دارند تا روح آن مکتب را تغییر دهند و دوستان بعلت ناآشنایی با مکتب، آگاهانه یا ناآگاهانه به اندیشه‌های بیگانه گرایش پیدا می‌کنند.

۲- تجددگرایی افراطی: افراط و تفریط در مسیر نهضت آفت انقلاب است، شهید مطهری تجددگرایی افراطی را عبارت می‌داند از آراستن اسلام به آنچه از اسلام نیست و پیراستن آن از آنچه از اسلام هست به منظور رنگ زمان زدن و باب طبع زمان کردن و آنرا آفت بزرگی برای نهضت می‌داند و می‌گوید وظیفه رهبری نهضت است که جلوی آن را بگیرد.

۳- ناتمام گذاشتن نهضت: در نگاه شهید مطهری یکی از بزرگترین آفت نهضت‌های روحانیت این بوده است که تا مرحله پیروزی پیش رفته‌اند و پس از پیروزی ادامه کار را رها کرده و نتیجه زحمات آنها را دیگران و احیاناً دشمنان برده‌اند. بنابراین تکرار چنین نقیصه‌ای را آفتی در کمین انقلاب اسلامی می‌دانند.

۴- رخنه فرصت طلبان: افراد فرصت طلب و دشمنان دوست‌نما در جریان اوج‌گیری نهضت از غفلت رهبران و

فرزندان انقلاب استفاده کرده و معمولاً با هم‌رنگ کردن خود با توده گسترده مردمی در صدد دستیابی به اهداف خود هستند که همان انحراف نهضت از مسیر اصلی آن است.

۵- **ابهام طرح‌های آینده نهضت:** شهید مطهری یکی از عوامل عدم موفقیت نهضت‌های انقلاب را کوتاهی روحانیت در ارائه طرح لازم برای اداره آینده نهضت می‌داند.

۶- **انحراف در اندیشه‌های اساسی انقلاب:** شهید مطهری آفت محتوایی انقلاب را انحراف در نیت‌ها، جهات و اهداف و ماهیت اندیشه‌های می‌داند و تنها راه ادامه انقلاب را در مسیر خدایی بودن آن می‌داند. «نهضت خدایی باید برای خدا آغاز یابد و برای خدا ادامه یابد و هیچ خاطره و اندیشه غیرخدایی در آن راه نیابد تا عنایت و نصرت الهی شاملش گردد». (نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۹۲-۸۷)

شهید مطهری به موازات اهتمام به معرفی آفات و آسیب‌ها تلاش می‌کند تا نسبت به استمرار انقلاب و حفظ دستاوردهای آن نیز زمینه‌ها و بسترهای لازم را فراهم سازند، در اندیشه آن شهید فداکار حفظ انقلاب نیاز به نهادینه کردن اصول و مفاهیمی در جامعه دارد که مهمترین آنها را عبارت می‌دانند از:

۱- تحقق عدالت اجتماعی واقعی (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۵۳ و ۱۵۰)

۲- تحقق واقعی استقلال و آزادی در جامعه (همان، ص ۱۵۹)

۳- معنویت افزایی در جامعه (همان، ص ۱۶۵)

۴- استمرار رهبری روحانیت شیعه. (همان، ص ۱۸۰-۱۸۵)

شهید مطهری به ترویج گفتمان مهدویت (عج) و نهضت انتظار و ظهور منجی و موعود الهی اسلام در آخرالزمان اهتمام ویژه داشتند از نظر ایشان مشخصات یک انتظار بزرگ عبارتند از: ۱- خوش‌بینی به آینده بشریت. ۲- پیروزی نهایی و غلبه صلاح و تقوا و صلح و عدالت و آزادی و صداقت بر زور و استکبار و استبداد و ظلم و اختناق. ۳- حکومت جهانی واحد. ۴- عمران تمام زمین در حدی که نقطه خراب و آباد نشده باقی نماند. ۵- بلوغ بشریت به خردمندی کامل و پیروزی از فکر و ایدئولوژی و آزادی از اسارت شرایط طبیعی و اجتماعی و غرایز حیوانی. ۶- حداکثر بهره‌گیری از مواهب زمین. ۷- برقراری مساوات کامل میان انسانها در امر ثروت. ۸- منتفی شدن کامل مفاسد اخلاقی از قبیل زنا، ربا، شرب، خمر، خیانت، دزدی، ناامنی و... و خالی شدن روانها از عقده‌ها و کینه‌ها. ۹- منتفی شدن جنگ و برقراری صلح و صفا (تعاون). ۱۰- سازگاری انسان و طبیعت

در آثار شهید مطهری دو نوع انتظار مطرح شده که از دو نوع بینش در تحولات تاریخی ناشی می‌شوند. ۱- انتظار ویرانگر ۲ که منفی و مردود است. ۲- انتظار سازنده که مثبت و مورد تأیید اسلام است. (منشور ضمیمه هفتگی روزنامه رسالت، ش ۱۰۲، ۱۰/۲/۸۵)

راز ماندگاری انقلاب اسلامی

براساس آنچه گفته شد ماندگاری و پایداری و پویایی انقلاب اسلامی در گرو عوامل گوناگونی است که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- اسلام‌خواهی و عمل به آن: شهید مطهری اسلام را متن و محتوای انقلاب می‌داند و هویت اصلی نظام جمهوری اسلامی را در معارف دینی می‌شمارد. مجاهدت برای گسترش و عمق بخشی شریعت حیات بخش اسلام و تثویز کردن معارف ناب دینی عامل پویایی انقلاب است. در این زمینه باورپذیر ساختن اسلام برای نسل‌های آتی و تبیین صحیح آن عقل‌ها و قلب‌ها را مجذوب خواهد ساخت. اسلام‌خواهی و اسلام‌گرایی به معنای واقعی و عمل و رفتار بر مبنای اسلام موجب تحکیم موقعیت انقلاب و افزایش اعتماد مردم به نظام می‌گردد. حیات سیاسی شهید مطهری و آثار ماندگار ایشان

بیانگر اهتمام جدی به این مقوله می‌باشد.

۲- پاسخگویی: پاسخگویی شفاف و منطقی به شبهات و سوالات اساسی نسل جوان رمز ماندگاری است. وضعیت شناسی واقع بینانه از خصائص شهید مطهری است، ایشان می‌گویند همواره تلاش کرده‌ام آنچه مخاطب می‌خواهد بنویسم و بگویم نه آنچه خود می‌خواهم. توجه به نیازها و اقتضائات جامعه و برآورده کردن آنها برای اقناع و ترغیب مردم و همراه سازی هرچه بیشتر آنان بویژه جوانان از اولویتهای اساسی برای ماندگاری انقلاب است.

۳- ولایت‌مداری: ولایت و رهبری عامل پیروزی انقلاب است و رمز تداوم و بقای انقلاب نیز خواهد بود. بر اساس دیدگاههای شهید مطهری آنچه باعث انحراف مسلمانان در صدر اسلام شد و سقوط تدریجی خلافت اسلامی و تضعیف تمدن اسلامی گردید دوری مردم از ولایت و منزوی ساختن آن بود. امامان و پیشوایان دین خانه نشین شدند و مردم نسبت به آنچه خدا و رسول مقرر کرده بودند بی تفاوت شدند در نتیجه اشقیای بر سرنوشت جهان اسلام حاکم گشتند و فساد و نسل کشی افزایش یافت تا جایی که هنوز هم کشورهای عربی روی خوش به خود ندیدند. بنابراین رمز ماندگاری انقلاب اسلامی در فهم صحیح از نقش و جایگاه و شئون ولایت و رهبری و تبعیت آگاهانه از ولی امر می‌باشد.

۴- مردم داری و مردم سالاری دینی: خدمت بی شائبه به مردم رمز ماندگاری انقلاب است. مردم پشتوانه و تکیه گاه انقلابند، قوام و دوام انقلاب در گرو حمایت مردمی است. جمهوریت بر آرائ مردم استوار است و جمهوری اسلامی واقعی‌ترین دموکراسی جهان است. تقویت این بعد از انقلاب موجب ماندگاری آن خواه شد. ضریب مشارکت سیاسی در ایران با قدرت‌های مدعی دموکراسی و آزادی جهان رقابت می‌کند و چنین خصیصه ای باید روز بروز تقویت شود.

۵- روحیه و رفتار انقلابی: انقلاب اسلامی تابلوی تمام نمای جمهوری اسلامی است و ما خود را با این تابلو به جهانیان معرفی می‌کنیم. شهید مطهری در دوران غربت انقلابیون یعنی در دوران خفقان طاغوتی با روحیه انقلابی و به تبع امام راحل علیه امریکا و رژیم غاصب صهیونیستی فریاد زد. اکنون برخی از ختم انقلاب و گذار از انقلابیگری سخن می‌گویند چنین موضعی در دولت موقت و اوایل انقلاب نیز گفته می‌شد و شهید مطهری در مقابل آنان می‌ایستادند و روحیه و رفتار انقلابی را عامل پیش برنده انقلاب و رمز پیش روندگی آن قلمداد می‌کردند.

۶- تداوم شعارهای اولیه و پابندی به آنها: در هنگام مبارزات انقلابی همواره استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی گفتمان غالب در جامعه بود که نوعی اجماع ملی بر آن شکل گرفت و مورد تاکید رهبری انقلاب هم بودند، بدیهی است رمز تداوم انقلاب نیز پابندی بر این شعارهاست و عدول از آنها موجب انحراف از مسیر اصلی نهضت خواهد بود. شهید مطهری در آثار متعدد خویش بدین واقعیت اشاره کرده است.

۷- اقتدار: اقتدار همه جانبه موجب بازدارندگی تهدیدات دشمنان می‌شود. اقتدار به معنای قدرت مشروع و بالابردن آمادگی و توانمندی سبب ماندگاری انقلاب می‌گردد.

۸- وحدت ملی: وحدت ملی و انسجام اسلامی موجب پیروزی انقلاب گرید و تحکیم و گسترش آن موجب ماندگاری انقلاب و خنثی شدن تهدیدات دشمن خواهد شد. وحدت عامل قدرت و اقتدار می‌شود و اختلاف و تفرقه عامل فروپاشی و سقوط می‌گردد و شهید مطهری آن را از جمله سنتهای الهی می‌شمارد.

۹- ظلم ستیزی و استکبار ستیزی: ظلم ستیزی و استکبار ستیزی از شعارها و اهداف اولیه انقلاب اسلامی است و اصولات ملت‌ها انقلاب ما را باین خصیصه می‌شناسند و آن را تحسین می‌کنند. ماندگاری و سرزندگی و پویایی انقلاب اسلامی در گرو پابندی به این شعار اساسی می‌باشد. شهید مطهری در تمای آثار سیاسی خویش به این رویکرد انقلابی اشاره می‌کند و انقلاب را بدون آن بی رونق قلمداد می‌کند.

۱۰- مقاومت و ایستادگی: ایستادگی در برابر دشمنان موجب پیروزی انقلاب شد و همین عامل می‌تواند انقلاب را از

خطرها و موانع عبور دهد.

- ۱۱- عدالت خواهی و رفتار عادلانه مسئولان: انقلاب برای احیای عدالت به وقوع پیوست و از مسئولان و حاکمان انتظار عدالت دارند به هر میزان که این انتظار برآورده شود دوام و بقای انقلاب نیز تضمین خواهد شد. شهید مطهری با تبیین عالمانه و مستند عدالت در قرآن کریم و در نهج البلاغه آن را در کانون انقلاب قرار داد و عدالت در سیره پیشوایان را با بهترین بیان و قلم فرهنگ سازی کرد و بی عدالتی را امری غیر انقلابی و حتی ضدانقلابی قلمداد می کنند.
- ۱۲- خودآگاهی و بیداری و بصیرت مردم: آگاهی و بصیرت رکن اصلی در حرکت های مردمی است، انقلاب اسلامی هنگامی به پیروزی رسید که مردم به خودآگاهی لازم رسیده بودند و شهید مطهری نهضت روشنگری و آگاه سازی براه انداخت. ایشان بدین منظور در سنگر دانشگاه جهاد تازه ای براه انداختند.

فهرست منابع:

- ۱- آیت الله شهید مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، صدرا، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۷.
- ۲- شفیعی فر، محمد، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، چ اول، ناشر نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
- ۳- جاوید موسوی، سید حمید، سیمای استاد در آینه نگاه باران، تهران، صدرا، چ چهارم، ۱۳۷۸.
- ۴- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۱۳۸۷، چ دوم، ج ۲۴، انتشارات صدرا.
- ۵- فصلنامه مریبان، ش ۲۷، بهار ۸۷.
- ۶- قربانی، قدرت الله، درآمدی بر اندیشه دینی سیاسی شهید مطهری، ۱۳۸۵، چ دوم، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- ۷- ملک الشعرای بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، انقراض قاجاریه، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۱، دوره ۲ جلدی.
- ۸- محمدی، منوچهر، تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۶۵، نشر امیرکبیر.
- ۹- سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ۱۳۷۰، چ سوم.
- ۱۰- خردمند، محمد، شهید مطهری، مرزبان بیدار، ۱۳۸۵، چ هشتم.
- ۱۱- باقی نصرآبادی، علی، سیری در اندیشه های اجتماعی شهید مطهری، ۱۳۸۸، چ سوم، بوستان کتاب.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.